

۱۲۱

۱۲۹ / ۱۲ / ۱۸

محمدرضا



۱۵۲۲۱۲



دانشگاه تهران

جایگاه حقوق اشغال نظامی در حقوق بین الملل بشر دوستانه

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر میر عباسی

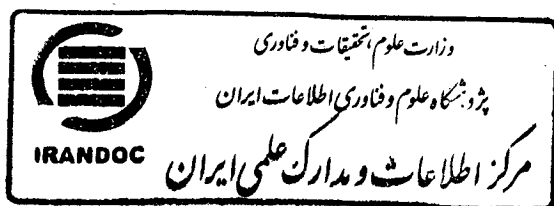
استادان مشاور:

جناب آقای دکتر ممتاز و سرکار خانم دکتر امین زاده

نگارش: سید حسام الدین لسانی

رساله جهت دریافت درجه دکتری در رشته حقوق بین الملل

پائیز ۱۳۸۹



۱۵۶۲۱۲

۳۹۰/۲/۱۲



جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره _____
تاریخ _____
پیوست _____

باسمه تعالی

تمهید نامه اصالت اثر

اینجانب ^{محمد علی} متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام خانوادگی دانشجو

امضاء

۱۳۹۰ / ۲ / ۱۲

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ کدپستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۸۹۷۳۱۴

دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی حقوق عمومی
گواهی دفاع از رساله دکتری

ت داوران رساله دکتری : سیدحسام الدین لسانی

گرایش : حقوق بین الملل

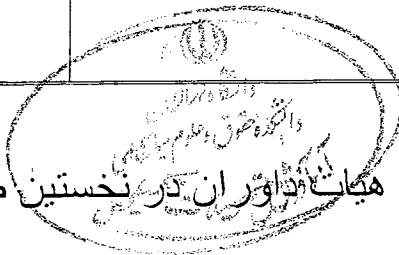
عنوان : جایگاه اشغال نظامی در حقوق بین الملل

در تاریخ : ۱۳۸۹/۹/۲۱ با درجه سجوب (۱۷)

ارزیابی نمود : ۱۳۹۰/۲/۱۲

امضاء	دانشگاه یا موسسه	مرتبۀ دانشگاهی	نام و نام خانوادگی	مشخصات هیات داوران	رتبه
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	دانشیار	دکتر سیدباقر میرعباسی	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	۱
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	استاد	دکتر جمشید ممتاز	استاد مشاور	۲
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	استادیار	دکتر الهام امین زاده	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	۳
	دانشگاه اصفهان	دانشیار	دکتر محمد کاظم عمادزاده	استاد مدعو خارجی	۴
	دانشگاه شهیدبهبشتی	دانشیار	دکتر سیدعلی هنجنی	استاد مدعو خارجی	۵
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	استادیار	دکتر امیرحسین رنجبریان	استاد مدعو داخلی	۶
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	استادیار	دکتر فیروز اصلانی	استاد مدعو داخلی	۷
	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	استادیار	دکتر فیروز اصلانی	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	۵

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد



تقدیم بہ

روح پاک پدرم

چکیده:

حقوق اشغال نظامی که برای اولین بار در قالب مقررات لاهه ۱۹۰۷ مدون شد به وسیله کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ تکمیل گشت. از زمانی که یک دولت کنترل مؤثر خود را بر سرزمین یک دولت دیگر بدون رضایت آن دولت، آغاز می‌کند حقوق اشغال لازم الاجرا می‌شود. اشغالگر موظف است به حاکمیت سرزمین اشغالی احترام بگذارد و صرفاً اقدام به اداره این سرزمین کند. او حق تغییر در قوانین لازم‌الاجرای سرزمین اشغالی را ندارد مگر این که چاره‌ای جز این نداشته باشد. اشغالگر باید به حقوق بشر در حین اشغال نظامی همچنان توجه داشته باشد و حقوق افراد مورد حمایت را رعایت کند. اشغالگر همچنین موظف است به سیستم قضایی سرزمین اشغالی احترام بگذارد ولی حسب نیاز، دادگاه‌های نظامی خاصی برای رسیدگی به موارد نقض قواعد ایجاد می‌کند. اشغالگر حق توقیف اموال خصوصی متعلق به مردم سرزمین اشغالی را ندارد ولی می‌تواند از اموال عمومی غیر منقول استفاده لازم را ببرد. اشغالگر باید نظام مالیاتی سرزمین اشغالی را به جز در موارد ضرورت همچنان حفظ نماید. او مکلف است با پایان اشغال سرزمین اشغالی را ترک کند ولی اگر در سرزمین اشغالی باقی ماند همچنان متعهد به اجرای پاره‌ای از مقررات کنوانسیون چهارم در آن سرزمین حسب ماده ۶ کنوانسیون چهارم است.

متعاقب حمله آمریکا و انگلستان به عراق شورا دو کشور مزبور را اشغالگر خواند و مکلف به رعایت کنوانسیون‌های لاهه و ژنو دانست. اشغالگران عراق با ایجاد CPA دست به تغییرات گسترده در عراق زدند. برخی توجه کرده‌اند که وضعیت عراق بصورتی بود که انجام این تغییرات در این کشور لازم بود و برخی دیگر رضایت مقامات عراقی را دلیل انجام این تغییرات گسترده توسط اشغالگران در عراق می‌دانند. اشغال سرزمین‌های فلسطینی به دست رژیم اسرائیل، طولانی‌ترین اشغال قرن گذشته است که طی آن اشغالگر علی‌رغم اعتراف به اشغالگری خود حاضر به اجرای مفاد کنوانسیون چهارم ژنو در سرزمین‌های اشغالی نمی‌باشد ولی استدلال‌های حقوقی همگی حاکی از لازم‌الاجرا بودن کلیه مقررات حقوق اشغال نظامی در سرزمین‌های اشغالی فلسطینی است.

۱	مقدمه
۱۲	بخش اول: حقوق اشغال نظامی
۱۳	فصل اول: آغاز اشغال نظامی
۱۳	مبحث اول: تاریخچه حقوق اشغال نظامی
۱۹	مبحث دوم: رابطه اشغال نظامی با جنگ
۲۰	مبحث سوم: اشغال متعاقب تسلیم بی قید و شرط
۲۱	مبحث چهارم: وضعیت اشغال در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی
۲۳	مبحث پنجم: رضایت و نقش آن در اشغال نظامی
۲۳	گفتار اول: اجبار به عنوان عنصر ضروری اشغال نظامی
۲۴	گفتار دوم: اشغال بر اساس توافق پس از جنگ
۲۵	گفتار سوم: اشغال رضایتمندانه سرزمین متفقین در خلال جنگ
۲۶	مبحث ششم: تمایز میان اشغال نظامی و تجاوز
۲۸	مبحث هفتم: کنترل مؤثر
۳۳	مبحث هشتم: حاکمیت و عدم انضمام
۳۷	فصل دوم: رابطه میان حقوق بشر و حقوق اشغال نظامی
۳۷	مبحث اول: حقوق بین‌الملل بشر
۳۸	مبحث دوم: اعمال حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی
۴۸	مبحث سوم: بحث تعلیق اجرای حقوق بشر
۵۱	مبحث چهارم: تأثیر متقاب حقوق اشغال و حقوق بشر
۵۶	فصل سوم: احترام به قوانین و ساختارهای سرزمین اشغالی به وسیله اشغالگر
۵۷	مبحث اول: احترام به قوانین سرزمین اشغالی به وسیله اشغالگر حسب مقررات لاهه ۱۹۰۷
۶۱	گفتار اول: مفهوم حفظ و تضمین نظم عمومی و زندگی اجتماعی
۶۵	گفتار دوم: شرط انتهای ماده ۴۳ «مگر آن که چاره‌ای جز این نداشته باشد»
۶۷	گفتار سوم: قابلیت اعمال ماده ۴۳ نسبت به سازمان‌های کشور اشغالگر
۶۷	گفتار چهارم: وضعیت اتباع اشغالگر در ارتباط با اختیارات اشغالگر طبق ماده ۴۳
۷۰	گفتار پنجم: ماده ۴۳ و وظیفه دولت اشغال شده
۷۰	مبحث دوم: احترام به قوانین سرزمین اشغالی به وسیله اشغالگر حسب کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹
۷۵	مبحث سوم: لزوم احترام به ساختارهای سرزمین اشغالی به وسیله اشغالگر
۸۳	مبحث چهارم: اشغالگر برای اجرای حقوق بشر بین‌المللی می‌تواند دست به قانون‌گذاری بزند
۸۶	مبحث پنجم: امکان قانونگذاری توسط اشغالگر برای ارتقای رفاه در سرزمین اشغالی
۸۷	مبحث ششم: نقش شورای امنیت در اعطای اختیارات قانونگذاری به اشغالگر
۸۹	فصل چهارم: عملکرد سیستم قضایی در زمان اشغال نظامی

مبحث اول: بررسی قضایی قواعد ایجاد شده توسط اشغالگر به وسیله دادگاه‌های سرزمین اشغالی، اشغالگر و دول ثالث	۸۹
گفتار اول: بررسی قضایی قواعد ایجاد شده توسط اشغالگر به وسیله دادگاه‌های سرزمین اشغالی	۸۹
گفتار دوم: بررسی قضایی قواعد ایجاد شده بوسیله اشغالگر توسط دادگاه‌های اشغالگر	۹۲
گفتار سوم: بررسی قضایی قواعد ایجاد شده به وسیله اشغالگر توسط دادگاه‌های دول ثالث	۹۳
مبحث دوم: سیستم قضایی در سرزمین اشغالی	۹۵
گفتار اول: دادگاه‌های محلی	۹۵
گفتار دوم: دادگاه‌های نظامی	۹۹
گفتار سوم: صلاحیت قضایی مقارن	۱۰۲
گفتار چهارم: حق دادرسی عادلانه	۱۰۳
گفتار پنجم: مجازات مرگ	۱۰۶
فصل پنجم: حمایت از غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی	۱۱۰
مبحث اول: حمایت و اعمال آن	۱۱۰
گفتار اول: افراد مورد حمایت	۱۱۰
گفتار دوم: برخورد با خرابکاران	۱۱۳
گفتار سوم: قدرت حمایتگر	۱۱۵
مبحث دوم: مصادیق حمایت از غیرنظامیان	۱۱۹
گفتار اول: ممنوعیت ژنو ساید و حق حیات	۱۱۹
الف: ممنوعیت ژنو ساید	۱۱۹
ب: حق حیات	۱۲۱
گفتار دوم: تضمین بقای سکنه غیرنظامی	۱۲۲
گفتار سوم: احترام به حقوق افراد مورد حمایت	۱۲۴
گفتار چهارم: ممنوعیت گروگان‌گیری	۱۲۵
گفتار پنجم: ممنوعیت مجازات دسته جمعی	۱۲۸
گفتار ششم: ممنوعیت تبعید و انتقال افراد مورد حمایت از سرزمین اشغالی	۱۳۱
گفتار هفتم: ممنوعیت بازداشت	۱۳۴
گفتار هشتم: ممنوعیت کار اجباری	۱۳۶
مبحث سوم: حمایت‌های خاص در سرزمین‌های اشغالی	۱۳۸
گفتار اول: پناهندگان	۱۳۸
گفتار دوم: زنان و کودکان	۱۴۲
گفتار سوم: اقدامات حمایتی در خصوص خدمات پزشکی	۱۴۷
گفتار چهارم: اقدامات حمایتی در خصوص دفاع مدنی (غیرنظامی)	۱۵۰

گفتار پنجم: امداد بشردوستانه	۱۵۲
فصل ششم: اموال در سرزمینهای اشغالی	۱۵۶
مبحث اول: تخریب و غارت اموال در سرزمینهای اشغالی	۱۵۶
گفتار اول: حمایت عام	۱۵۶
گفتار دوم: حمایت خاص	۱۵۹
گفتار سوم: ممنوعیت غارت	۱۶۲
مبحث دوم: ضبط و استفاده از اموال در سرزمینهای اشغالی	۱۶۷
گفتار اول: تمایز میان اموال عمومی و خصوصی	۱۶۸
گفتار دوم: اموال عمومی	۱۷۰
الف. اموال غیرمنقول	۱۷۱
ب. اموال منقول	۱۷۶
ج. اموال ویژه	۱۷۸
گفتار سوم: اموال خصوصی	۱۸۳
الف. اموال غیرمنقول	۱۸۴
ب. اموال منقول	۱۸۵
گفتار چهارم: اموال متعلق به اتباع دول بی طرف	۱۹۱
فصل هفتم: نظام مالیاتی در سرزمین اشغالی	۱۹۴
مبحث اول: ساختار حقوقی مالیات در سرزمین های اشغالی	۱۹۵
مبحث دوم: نمونه های عملکرد اشغالگران در خصوص نظام مالیاتی سرزمینهای اشغالی	۱۹۸
گفتار اول: اشغال های متعاقب جنگ اول جهانی	۱۹۸
گفتار دوم: اشغال های متعاقب جنگ دوم جهانی	۲۰۰
الف: اشغال لهستان بدست آلمان	۲۰۰
ب: اشغال لیتوانی بدست آلمان	۲۰۲
ج: اشغال فرانسه بدست آلمان	۲۰۲
د: اشغال آلمان بدست متفقین	۲۰۳
ه: اشغال کره جنوبی بدست آمریکا	۲۰۴
مبحث سوم: سرزمینهای اشغالی فلسطین	۲۰۵
مبحث چهارم: کمکهای مردمی	۲۰۷
فصل هشتم: پایان اشغال نظامی	۲۱۰
مبحث اول: پایان کامل اشغال نظامی	۲۱۰
گفتار اول: معاهده صلح	۲۱۰
گفتار دوم: عقب نشینی اشغالگر از سرزمین اشغالی	۲۱۲

۲۱۳	گفتار سوم: اتخاذ تصمیم الزام آور توسط شورای امنیت
۲۱۴	مبحث دوم: پایان ناقص اشغال نظامی
۲۱۵	مبحث سوم: حقوق اشغال نظامی پس از پایان مخاصمات
۲۲۰	مبحث چهارم: نتایج پایان اشغال
۲۲۰	گفتار اول: نتایج عملی پایان اشغال نظامی
۲۲۲	گفتار دوم: بقای مسوولیت اشغالگر پس از پایان اشغال نظامی
۲۲۴	بخش دوم: بررسی وضعیت حقوق اشغال نظامی در اشغال عراق و سرزمینهای اشغالی فلسطین
۲۲۵	فصل اول: اشغال عراق
۲۲۵	مبحث اول: آغاز اشغال عراق
۲۳۰	مبحث دوم: تشکیل CPA و آغاز انجام تغییرات در عراق
۲۳۵	مبحث سوم: تغییرات انجام شده توسط CPA در عراق اشغالی
۲۳۵	گفتار اول: ریشه کن کردن حزب بعث
۲۳۷	گفتار دوم: تغییر سازمانهای امنیتی و نظامی
۲۳۸	گفتار سوم: تغییرات حقوق بشری
۲۴۰	گفتار چهارم: تغییرات قضایی
۲۴۵	گفتار پنجم: تغییرات اقتصادی
۲۴۶	الف: بانکداری
۲۴۷	ب: مالیات
۲۴۷	ج: تجارت خارجی
۲۴۹	د: معاملات اقتصادی خصوصی
۲۵۰	ه: قواعد امنیتی و تجارت
۲۵۰	و: تغییرات رسانه ای
۲۵۱	ز: خصوصی سازی
۲۵۲	گفتار ششم: تغییرات برای ایجاد یک دولت منظم
۲۵۴	گفتار هفتم: اقدامات CPA در ارتباط با قاچاق نفت
۲۵۵	مبحث چهارم: توجیهات حقوقی برای انجام تغییرات گسترده در عراق توسط CPA
۲۵۶	گفتار اول: توجیه تغییرات بر اساس حقوق اشغال نظامی
۲۶۲	گفتار دوم: توجیهات بر اساس رضایت مقامات عراقی
۲۶۶	گفتار سوم: توجیهات بر اساس مجوز شورای امنیت
۲۷۴	مبحث پنجم: مسوولیت اشغالگران بخاطر نقض حقوق اشغال در عراق
۲۷۴	گفتار اول: ماده یک مشترک چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹
۲۷۹	گفتار دوم: عملکرد دول اشغالگر در برخورد با موارد نقض حقوق اشغال

۲۸۳	گفتار سوم: عملکرد دیوان کیفری بین المللی در برخورد با موارد نقض حقوق اشغال
۲۸۴	گفتار چهارم: عملکرد سایر دول در برخورد با موارد نقض حقوق اشغال
۲۸۷	مبحث ششم: پایان اشغال عراق و مسائل حقوقی مربوط به آن
۲۹۸	فصل دوم: اشغال سرزمینهای فلسطینی بدست اسرائیل
۳۰۰	مبحث اول: سرزمینهای تحت اشغال اسرائیل
۳۰۰	گفتار اول: شبه جزیره سینا و نوار غزه
۳۰۲	گفتار دوم: کرانه باختری رود اردن
۳۰۲	گفتار سوم: پیمان اسلو
۳۰۳	گفتار چهارم: بیت المقدس شرقی
۳۰۵	گفتار پنجم: بلندبهای جولان
۳۰۶	مبحث دوم: قابلیت اعمال کنوانسیون چهارم در سرزمینهای اشغالی فلسطین
۳۱۳	مبحث سوم: موارد نقض کنوانسیون چهارم در سرزمینهای اشغالی فلسطین بوسیله اسرائیل
۳۱۴	گفتار اول: انضمام و سلب مالکیت غیرقانونی از زمینهای فلسطینی
۳۱۶	گفتار دوم: ساخت شهرکهای یهودی نشین
۳۱۹	گفتار سوم: کشتار و اعدام قاصدانه و بدون حکم دادگاه
۳۱۹	گفتار چهارم: شکنجه و رفتارهای غیرانسانی
۳۲۱	گفتار پنجم: اخراج (تبعید) یا انتقال غیرقانونی
۳۲۲	گفتار ششم: محرومیت قاصدانه از حق محاکمه عادلانه و متعارف
۳۲۴	مبحث چهارم: اشغال طولانی مدت و لزوم تداوم یا عدم تداوم حقوق اشغال نظامی
۳۲۸	نتیجه گیری
۳۳۵	منابع

مقدمه

آشنایی با موضوع

تاریخچه حقوق بین‌الملل حاوی موارد متعدد حمله یک کشور به کشور دیگر می‌باشد. این حملات که از آن به تجاوز تعبیر می‌شود در بیشتر موارد پس از فتح کشور مورد تجاوز و تغییر حکومت یا کسب غنائم از آن خاتمه می‌یافت. در برخی موارد نیز حتی حکومت کشور مغلوب تغییر نکرده بلکه به علت ترس و واهمه از تکرار تجاوز اقدام به پرداخت خراج به صورت هر ساله به کشور فاتح می‌کرد. گاه نیز کشور فاتح با تغییر حکومت کشور مغلوب، خود نیز در آنجا نیرو پیاده می‌کرد و اقدام به استعمار منابع کشور مغلوب می‌نمود. استعمار طولانی مدت هند بوسیله انگلستان نمونه این مورد است. اما گاهی کشور متجاوز در سرزمین مغلوب نیرو پیاده کرده و خود اقدام به اداره کشور مزبور می‌نمود و تمام ساختارهای سیاسی اداری کشور مغلوب را خود در دست می‌گرفت. از این رو حکومت کشور فاتح جایگزین حکومت کشور مغلوب می‌شد و البته نیروی نظامی کشور فاتح برای استقرار حکومت آن کشور، در کشور مغلوب مستقر می‌گشت. این مورد در حقوق بین‌الملل به اشغال نظامی تعبیر می‌شود و عمر چندان طولانی ندارد. نمونه آن اشغال بلژیک در خلال جنگ جهانی اول به وسیله آلمان و اشغال عراق به وسیله ایالات متحده و انگلستان در سال ۲۰۰۳ میلادی است.

آنچه در بحث رساله پیش رو اهمیت دارد اشغال نظامی و چگونگی آن نیست چرا که اشغال نظامی یک واقعیت عینی است که پس از هر مخاصمه‌ای قابلیت تحقق دارد بلکه نحوه اعمال قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل حین اشغال نظامی مورد بحث این رساله است. لذا در این رساله ما به بررسی حقوق اشغال نظامی می‌پردازیم. حقوق بین‌الملل به بحث اشغال نظامی از قرن نوزدهم پرداخت و در اعلامیه بروکسل ۱۸۷۱ اشارات هر چند اندکی به حقوق اشغال نظامی کرد. معاهدات صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ چشم امید حقوقدانان برای پرداختن به حقوق اشغال نظامی در خلال بحث قواعد و عرفهای جنگهای زمینی بود که این آرزو برآورده شد و قوی‌ترین مفاد در باب حقوق اشغال نظامی به تصویب بزرگترین گردهمایی دول آن زمان رسید. تاریخچه قرن بیستم و بیست و یکم مملو از اشغال‌های نظامی است. جنگ جهانی اول و اشغال بلژیک بدست آلمان اولین بوته آزمایش مقررات لاهه در بحث اشغال نظامی بود. اشغالی که در خلال آن آلمانیها هیچ وقعی به حقوق اشغال نظامی نگذاشتند ولی گاه برای توجیه اعمال غیرقانونی خود متمسک به حقوق اشغال نظامی شدند.

به هر حال جنگ اول جهانی به اتمام رسید، بلژیک آزاد شد و اوضاع به حال سابق بازگشت اما این آرامش، دیری نپایید. جنگ دوم جهانی را از لحاظ وسعت بزرگترین جنگ تاریخ می‌دانیم و اشغال‌های متعدد صورت گرفته در آن کمتر نمونه‌ای داشته است. اما توجه به حقوق اشغال نظامی در خلال این جنگ و در خلال اشغال‌های آن، گاه دیده می‌شود. خصوصاً اینکه متفقین در خلال اشغال آلمان و ژاپن تمام اعمال خود را با استناد به حقوق اشغال نظامی و مفاد مقررات لاهه ۱۹۰۷ انجام می‌دادند و حتی آلمان نیز علی‌رغم بی‌توجهی به قواعد حقوق اشغال، در اشغال فرانسه و لهستان هرگز استناد به ماده ۴۳ مقررات لاهه را از یاد نمی‌برد.

وقایع وحشتناک جنگ جهانی دوم دولت‌ها را به فکر تدبیر اندیشه‌ای در جهت حفظ حقوق انسانها در جنگ‌ها انداخت و لذا فقط ۴ سال پس از جنگ دوم جهانی چهار کنوانسیون معروف ژنو ۱۹۴۹ در مورد حقوق جنگ به امضاء دول رسید. چهارمین کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ که در مورد حمایت از غیرنظامیان در خلال مخاصمات مسلحانه است به اشغال نظامی و حقوق اشغال می‌پردازد و سعی در رفع نواقص مقررات لاهه ۱۹۰۷ می‌کند. اگر مقررات لاهه ۱۹۰۷ را مقرراتی دولت محور و متکی بر حمایت از دول در حین مخاصمات مسلحانه بدانیم، مقررات ژنو ۱۹۴۹ را مقرراتی انسان محور باید دانست: در این مقررات به سختی مفادی یافت می‌شوند که صرفاً به قصد حمایت از دولت‌ها در حین مخاصمات باشند و همواره توجهات به انسانهاست برای اینکه وقایعی همچون وقایع جنگ دوم جهانی دیگر رخ ندهد. جالب است بدانیم که از سال ۱۹۴۹ تاکنون دیگر هیچ تغییری در قواعد حقوق اشغال نظامی بوجود نیامده و این قواعد علی‌رغم پیشرفت‌های بسیار حقوق بین‌الملل خصوصاً در بحث حمایت از حقوق بشر، همچنان دست نخورده باقی مانده‌اند.

امروزه بر حقوقدانان متخصص حقوق بشر دوستانه مسلم است که ایرادی به قواعد ۱۹۰۷ لاهه و ۱۹۴۹ ژنو وارد نیست و اگر هم هست جزئی است بلکه ایرادها در عدم اجرای صحیح مفاد این کنوانسیونهاست. یعنی تلاش دولتها برای فرار از زیر بار تعهدات این مقررات. ولی نکته مهم آن است که این مقررات به نحوی با حقوق بین‌الملل عجین شده‌اند که دولتها را گریزی از اجرای آنها نیست بطوریکه یا خود را اشغالگر سرزمینی معرفی نمی‌کنند و یا اگر خود را اشغالگر معرفی می‌کنند، مکلف به اجرای حقوق اشغال می‌دانند.

پس از جنگ دوم جهانی تا زمان حاضر موارد متعدد اشغال نظامی اتفاق افتاده است. برخی از این اشغال‌ها بسیار وسیع بوده‌اند اما نکته قابل توجه در اکثر این اشغال‌ها ترس اشغالگر از معرفی خود به

این عنوان است. اشغال بخش‌هایی از ایران در خلال جنگ عراق علیه ایران به وسیله کشور عراق، اشغال کویت بدست عراق، صحرای غربی بدست مراکش و تیمور شرقی بدست اندونزی نمونه‌ای از این اشغال‌هاست. برای مثال عراق خود را هرگز اشغالگر کویت نمی‌دانست بلکه معتقد بود کویت یکی از استانهای عراق بوده است که از آن جدا شده و حال به خواست نهضت‌های آزادی بخش کویتی، دوباره این استان را به کشور مادر متصل کرده است. در خصوص اشغال سرزمین‌های ایران به دست عراق نیز، عراق هرگز مقررات حقوق اشغال را به اجرا در نیاورد و کاملاً این مقررات را نقض نمود. در برخی از این اشغال‌ها، اشغالگران عناوینی مثل مداخله بشردوستانه را بر اشغالگری خود قرار داده‌اند و در مواردی دعوت حکومت کشور اشغال شده را دلیل حضور خود در آن کشور معرفی نموده‌اند. اشغال افغانستان به دست شوروی سابق در سال ۱۹۸۰ نمونه کاملی از این مورد است.

تا قبل از سال ۲۰۰۳ یعنی اشغال عراق بدست ایالات متحده و بریتانیا، به نظر می‌رسید اشغال نظامی یک حوزه پژوهش شده و یا شاید فاقد اثر برای تحقیق حقوقی است. اما واقعیت این است که اشغال نظامی موضوعی است که هر لحظه احتمال کارا شدن مجدد آن در حوزه حقوق بین‌الملل وجود دارد. به هر حال اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ حقوق بین‌الملل را در قرن بیست و یکم با نمونه‌ای از اشغال نظامی مواجه کرد که در آن اشغالگران خود معترف به اشغالگری خود و لزوم اعمال قواعد حقوق اشغال بودند. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در این میان بیکار نشست و اشغالگران عراق را مکلف به اجرای مفاد کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و ۱۹۴۹ ژنو نمود. این نشانگر آن است که حقوق اشغال هنوز زنده است و کارایی لازم را دارد.

اشغال عراق حسب اعلام شورای امنیت یک سال بیشتر طول نکشید اما قابل توجه‌ترین اشغالی است که تا بحال صورت گرفته است. اشغالگران که خود را متعهد به اجرای مفاد حقوق اشغال می‌دانستند از یک سو می‌بایست حقوق اشغال نظامی را در عملکرد خود لحاظ می‌کردند و از سوی دیگر قصدشان انجام تغییرات زیاد در عراق بود. امری که با حقوق اشغال تطابق چندانی ندارد. اینان مجبور بودند این دو خواست را با هم اجرا کنند. یعنی هم حقوق اشغال نظامی را رعایت کنند و هم تغییرات گسترده را در عراق عملی نمایند.

به هر حال تغییرات گسترده ائتلاف در عراق به نحوی بود که علی‌رغم اینکه بسیاری از حقوق‌دانان آن را خلاف حقوق اشغال می‌دانند اما اشغالگران با قدرت کامل خود در عراق، تغییرات مهمی ایجاد کردند از بزرگترین آنها که انحلال حزب بعث بود گرفته تا تغییر در قانون ترافیک عراق. ادعای آنها هم این بود که اگر این تغییرات انجام نشود عراق به سمت دموکراسی پیش نخواهد رفت. چراغ سبز قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت را می‌توان دلیل شجاعت اشغالگران عراق برای ایجاد تغییرات در این کشور دانست.

اشغال عراق بطور رسمی و البته نه به طور واقعی در سال ۲۰۰۴ خاتمه یافت اما اشغال سرزمینهای اشغالی فلسطین هنوز هم ادامه دارد و حقوق بین‌الملل را با طولانی‌ترین اشغال قرن گذشته روبرو کرده است. در این اشغال رژیم اسرائیل معترف به اشغالگر بودن خود در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه است در حالیکه دلیلی ندارد که شبه جزیره سینا، بلندیهای جولان و بیت‌المقدس شرقی را از حیظه محدوده اشغالگری رژیم اسرائیل خارج نماییم. نکته تاسف آور در اشغال مزبور بی‌توجهی اشغالگر به لزوم اجرای مفاد کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ است زیرا وی معتقد است این کنوانسیون در سرزمینهای اشغالی فلسطین کارایی ندارد و فقط مقررات لاهه ۱۹۰۷ است که قابل اعمال در این

سرزمینهاست اما واقعیت آن است که حتی مقررات لاهه ۱۹۰۷ نیز بدرستی توسط رژیم اسرائیل به اجرا در نمی‌آید و موارد نقض آن در این سرزمینهای اشغالی بسیار بالاست. رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده دیوار حایل به همگان نشان داد که در مورد وضعیت اشغالی بودن این سرزمینهای اشغالی از نظر حقوق بین‌الملل شکی وجود ندارد و این اشغالگر است که قصد اعمال کامل حقوق اشغال در این سرزمینها را ندارد.

در این رساله نگارنده قصد بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت تجاوز دولتها به سرزمین یکدیگر را ندارد زیرا قواعد توسل به زور تأثیری در حقوق مخاصمات مسلحانه ندارد به عبارتی *jus ad bellum* تأثیری در *jus in bello* ندارد. لذا صحبت ما از اینکه کشوری، اقدام به اشغال کشوری دیگر نموده است مبین صحت اشغال آنجا نیست بلکه کار ما فقط بررسی نحوه اعمال حقوق اشغال نظامی در اشغال‌های مختلف است، فرای مشروعیت یا عدم مشروعیت اشغال آن سرزمین.

سوابق تحقیقاتی

در مورد حقوق اشغال نظامی از اوایل قرن بیستم کتب معدودی نوشته شده که برخی متعلق به زمان جنگ اول جهانی است که مشخص است نه به تحولات روز پرداخته‌اند و نه مقررات ژنو ۱۹۴۹ را دیده‌اند. برخی نیز بعد از جنگ دوم نوشته شده‌اند که تعداد آنها به سختی به ۲ یا ۳ عنوان کتاب می‌رسد. در مورد اشغال و حقوق اشغال نظامی مقالات متعدد نوشته است که هر کدام فقط قسمتی یا بخشی از حقوق اشغال را مدنظر قرار داده‌اند. جامع‌ترین کتاب موجود در زمینه حقوق اشغال که شاید بتوان آنرا جدیدتر از دیگران نیز دانست کتاب حقوق بین‌الملل اشغال نوشته ایل بنونیستی* است که در سال ۱۹۹۲ به چاپ رسیده است. کتاب اندیشمندانه است اما برخی بحثها را موشکافی

* . Eyal Benvenisti

نمی‌کند مثل بحث‌های قابلیت اعمال حقوق بشر در حین اشغال یا مالیات اما از نظر تاریخچه اشغال- های نظامی به حق کتاب کاملی است. کتاب دیگر کتاب یورام دینشتاین* است که در سال ۲۰۰۹ چاپ شده است. این کتاب علی‌رغم بررسی علمی مسائل مربوط به اشغال نظامی و جدید بودن کتاب به اشغال عراق نمی‌پردازد و به صورتی کاملاً سرد و بی تفاوت از کنار این واقعه حقوقی می‌گذرد. به هر حال کتاب جامعی که هم به کلیات حقوق اشغال و هم به اشغال عراق بطور خاص پرداخته باشد حداقل در زبان انگلیسی وجود ندارد و یک علت جذب نگارنده به نوشتن رساله‌ای در این موضوع شاید همین مطلب باشد. در کشور ما متأسفانه حقوق اشغال کمتر مقبول حقوقدانان بوده و کتاب جامعی در این موضوع وجود ندارد و پرداختن به بحث‌های حقوق اشغال در قالب کتاب‌های مختصات مسلحانه صورت پذیرفته است.

حقوق اشغال مبحث مورد علاقه نگارنده از ابتدای دوره دکترای حقوق بین‌الملل بوده است و اشغال عراق و مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات ائتلاف در عراق دغدغه نگارنده در خلال مدت تحصیل و پژوهش بوده است. در این راستا سعی شده تقریباً اکثر منابع اعم از کتاب و بخصوص مقالات تهیه و بررسی شوند منابعی که برخی از آنها حتی در سایت هین آن لاین** نیز وجود نداشته- اند. این منابع از کتابخانه کاخ صلح لاهه تهیه شده و مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و تمام سعی نگارنده آن بوده که استدلال حقوقی کند، مطالبش به روز باشد و رعایت اختصار را بنماید تا مطالبش برای خواننده ملال‌انگیز نباشد. شایان ذکر است آراء صادره توسط دیوان بین‌المللی دادگستری و بخصوص آراء دیوان عالی رژیم اسرائیل نیز دور از نظر نگارنده نبوده‌اند.

سؤالات رساله

* . Yoram Dinstein

** . Hein on line

سؤال اصلی رساله عبارت است از اینکه میزان توجه اشغالگران به حقوق اشغال نظامی در خلال

اشغال‌های صورت گرفته قرن بیستم و بیست و یکم در چه حدی بوده است؟

سؤالات فرعی رساله عبارتند از:

۱. نقش مقررات لاهه ۱۹۰۷ و ژنو ۱۹۴۹ در حفظ حقوق سکنه سرزمین‌های اشغالی چگونه

است؟

۲. مقررات حقوق بشر در حین اشغال نظامی کارایی لازم را دارند؟

۳. اقدامات اشغالگران در عراق منطبق با حقوق اشغال نظامی بوده است؟

۴. قطعنامه‌های شورای امنیت تا چه حد توجیه کننده نقض‌های احتمالی قواعد حقوق اشغال

می‌توانند باشند؟

۵. مسؤولیت دولت اشغالگر و سایر دولت‌ها در اعمال حقوق اشغال نظامی در سرزمین اشغال

شده چگونه است؟

۶. حقوق اشغال نظامی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به چه میزان به اجرا در می‌آید؟

۷. اشغال طولانی مدت تا چه حد توجیه کننده اقدامات اشغالگر فرای حقوق اشغال نظامی

است؟

۸. آیا اشغالگر حق تملک اموال را در سرزمین اشغالی دارد؟

فرضیات رساله

فرضیه اصلی رساله که نگارنده بدنبال آزمون آن است این است که اشغالگران در خلال اشغال‌های

مختلف سیاست‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند به طوری که در مواردی به حقوق اشغال نظامی متمسک

شده و در مواردی از آن گریخته‌اند اما شورای امنیت می‌تواند نقش مهمی در وادار کردن اشغالگران به رعایت حقوق اشغال نظامی داشته باشد.

فرضیات فرعی رساله عبارتند از:

۱. مقررات لاهه ۱۹۰۷ جنبه عرفی پیدا کرده‌اند و در تمام اشغال‌های نظامی کارایی دارند و مقررات ژنو ۱۹۴۹ حاوی مقررات بسیار ریزبینانه در حقوق اشغالند و به حقوق اشغال لباس بشری پوشانیده‌اند تا دولتی. ولی هر دو این مقررات با مفاد خود، حقوق سرزمین‌های اشغالی را بسیار بیشتر از حقوق دولت اشغالگر و یا اشغال شده مد نظر دارند.
۲. قواعد حقوق بشر در حین اشغال نظامی در کنار قواعد حقوق بشردوستانه کارایی دارند.
۳. اقدامات اشغالگران در عراق علی‌رغم عدم انطباق در موارد زیادی، در مواردی نیز مطابق با حقوق اشغال بوده‌اند.
۴. با توجه به الزام‌آور بودن قطعنامه‌های شورای امنیت حسب فصل هفتم منشور، می‌توان به آنها برای توجیه برخی نقض‌های حقوق اشغال استناد کرد.
۵. اشغالگر در خصوص عدم اجرای مفاد حقوق اشغال در سرزمین اشغالی، مسئولیت بین‌المللی پیدا می‌کند و هم اشغالگر و هم سایر دول (ثالث) حسب ماده ۱ مشترک چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و رویه قضایی بین‌المللی از جمله رأی دیوار حایل مکلف به رعایت و تضمین رعایت حقوق اشغال در حین اشغال‌ها هستند.
۶. علی‌رغم اعتراف رژیم اسرائیل به اشغالگری خود در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، اشغالگر از اجرای مفاد کنوانسیون چهارم ژنو در این سرزمین‌ها به دلایل واهی خودداری کرده است.